

فصلنامه آفاق

سال نهم، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵

گزارش کتاب

سکینه مهرابی



Redemptive Suffering in Islam, A study of the Devotional Aspect of Ashura in Twelver shiism

رنج رستگاری بخش در اسلام

مطالعه‌ای درباره جنبه‌های عبادی عاشورا در شیعه

دوازده امامی

محمود مصطفی ایوب

استاد مطالعات اسلامی و ادیان تطبیقی

محمد مصطفی ایوب، در سال ۱۹۳۸ در جنوب لبنان دیده به جهان گشود و در سال ۱۹۶۴ کارشناسی فلسفه را از دانشگاه آمریکایی بیروت اخذ کرد. وی در سال ۱۹۶۶ کارشناسی ارشد ادیان را از دانشگاه پنسیلوانیا و در سال ۱۹۷۵ دکتری تاریخ دین را از دانشگاه هاروارد کسب کرد.

پایان‌نامه دکتری خود را به راهنمایی پرفسور آنه ماری شیمیل^۱ با عنوان رنج رستگاری بخش در اسلام: مطالعه‌ای در مورد جنبه‌های عبادی عاشورا در تشیع دوازده امامی دفاع نمود.

ایشان را شاید بتوان از پرکارترین محققان مسلمان، در زمینه مطالعات اسلامی و شیعی دانست. نگارش بیش از پانزده کتاب و شش مقاله علمی در مجلات و دایره المعارف‌ها، از جمله فعالیت‌های علمی این محقق مسلمان به حساب می‌آید. علاوه بر پایان‌نامه ایشان که درباره عاشورا بود، ایشان چندین مقاله نیز درباره این حادثه تاریخی، نگاشته است:

- مرثیه و آداب و رسوم شیعی؛^۲
- فضائل امام حسین در منابع حدیثی اهل سنت.^۳
- شهادت در مسیحیت و اسلام.^۴
- مدخل عاشورا در دایره المعارف دین؛^۵
- مدخل عاشورا در دایره المعارف ایرانیکا؛^۶
- عزاداری عاشورا در مجموعه مقالات تشیع: آموزه، اندیشه و معنویت.^۷

۱. پرفسور شیمیل خود تحقیقی با موضوع «کربلا و امام حسین (ع) در زبان فارسی و ادبیات مسلمانان هند» دارند.

Annemarie Schimmel, *Karbala and the Imam Husayn in Persian and Indo-Muslim literature*, -Harvard University- Serat, Vol XII ۱۹۸۶.

۲. "Marathi and the Shi'i Ethos", *Alserat* ۶ (۱۹۸۰): ۲۲.

۳. "Excellences of Imam Husayn in Sunni Hadith Tradition," in *Imam Husayn in Muslim Tradition*. London: Routledge and Keagan Paul, ۱۹۸۶, pp. ۵۸.

۴. "Martyrdom in Christianity and Islam." In *Religious Resurgence: Contemporary Cases in Islam, Christianity, and Judaism*, eds. R. T Antoun and Mary E. Hegland, Syracuse, NY: Syracuse University Press, ۱۹۸۷, pp. ۶۷.

۵. "Ashura'." In *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade.

۶. "Ashura'." In *Encyclopedia Iranica*, ed. Ihsan Yarshatar

v. Shiism: Doctorines, Thought and Spirituality.



اثر حاضر (که چکیده آن ارائه می‌شود) نسخه تصحیح شده از رساله دکتری نویسنده برای دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه هاروارد، در بهار ۱۹۷۵ است. ایده این کار از مطالعه تطبیقی مفهوم رنج رهایی‌بخش^۸ در مسیحیت و اسلام ناشی شده است.

بر اساس نظر نویسنده، اسلام هیچ دکترین به روشنی تعریف شده از رهایی‌بخشی ندارد؛ با این وجود، رنج رهایی‌بخش، نقش اساسی در زندگی واقعی جامعه مسلمان بازی می‌کند و یک نیروی پویا به واسطه پذیرش و فهم رنج بوده است. رنج هدفمند جنگ مقدس (جهاد) انسان در راه خدا هست که این مسئله هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی بسیار مورد توجه است. این نظر، ریشه در قرآن دارد و همچنان نقش مهمی در ادامه دین‌داری اسلامی، به خصوص عرفان^۹ دارد. این مطالعه، به معنای رنج و شهادت امام حسین(ع) نوه پیامبر و رهبر مذهبی جامعه شیعه می‌پردازد. از نظر شیعه، شهادت او برای ایفای نقش امامت ایشان ضروری بوده است که بدون تحقق این نقش، ایشان به پارادایم مظلوم فداکار، معیار حق و باطل و شفیع روز جزا برای پیروانش، تبدیل نمی‌شدند. مسئله مورد بررسی در این مطالعه این است که به چه صورت، شهادت امام حسین، به عنوان امر رهایی‌بخش (نجات‌بخش) تلقی می‌شود. این تحقیق، با داده‌ها و اطلاعات مذهبی قرون چهارم تا نهم هجری، درست قبل از تشکیل دولت شیعی صفویه، سروکار دارد.

فرض نویسنده در این مطالعه این است که همه رنج‌ها تا حدودی رهایی‌بخش هستند. جامعه شیعی، به طور اخص، رنج امام حسین را از طریق درونی‌سازی و برتری دادن آن رنج توسط جامعه و از خلال عنایت و لطف بسیار زیاد امام به عنوان شفاعت‌کننده، منبع رهایی‌بخشی می‌داند.

۸. Redemptive Suffering

۹. Suffism

شفاعت کنندگی، پاداش مستقیم رنج خانواده پیامبر به خصوص [امام] حسین(ع) است که این جایگاه فقط از طریق شهادت، قابل دسترسی بوده است. رستگاری در دین‌داری شیعی، تنها در درون زمینه شفاعت، فهمیده می‌شود. بر طبق اندیشه شیعی، همه امامان در این رنج شریک هستند و لذا در هدیه الهی شفاعت نیز شریک هستند. در پایان، نویسنده، درصدد ارائه این نظر هست که رهایی‌بخشی، هم شامل نجات (آمزش) و هم مجازات است: نجات برای رستگاری نوع انسان و مجازات برای دشمنان آنها.

این مطالعه، به بررسی زندگی و جایگاه [امام] حسین در تاریخ دین‌داری، آرمان‌ها و پارسایی شیعه اثنی عشری می‌پردازد؛ و درصدد است تا از نقطه نظر دین‌داری عمومی(مردمی) و فهم جامعه از زندگی ایشان، به زندگی ایشان بپردازد. لذا اسطوره‌ها، زندگی‌نامه(زندگی‌نامه افراد مقدس)، اشعار مردمی و ادبیات مشابه مذهبی «تعزیه» و «زیارت» مطالعه می‌شود.

این متن، در شش فصل، تنظیم شده است. بخش اول با عنوان «خانه آندوه» (بیت الاحزان) به بررسی ارزش مصیبت و رنج در کل و به خصوص رنج خانواده مقدس پیامبر می‌پردازد. در دین‌داری شیعی، خانه آندوه، تجسم اجتماع مصیبت است که در اصل، شامل دوازده امام و پیامبر و دختر ایشان است. دوستداران متدین امامان از طریق مشارکت در مصیبت خانواده مقدس، می‌توانند وارد این اجتماع شوند. مصیبت و وفات و در نهایت رستگاری فاطمه الزهرا، هم نمایانگر ناامیدی و هم نمایانگر امید برای جامعه شیعی است و مصیبت و وفات ایشان دارای اهمیت زیادی در جامعه شیعی است. لذا یک فصل از این اثر به ایشان پرداخته شده است. خانه آندوه، به علاوه، جامعه مصیبت و رنجی است که تمام پیامبران به نحوی به آن تعلق دارند. درواقع این خانه، کل خلقت از ابتدای تاریخ بشریت تا روز قیامت را در برمی‌گیرد.

نویسنده، بیان می‌کند که امامان در دیدگاه جامعه شیعی، فقط افرادی تحت ستم نبوده‌اند؛ بلکه این‌ها کسانی هستند که وجودشان برای خلقت و ادامه حیات جهان، لازم و ضروری است. بر این اساس، نویسنده، قبل از پرداختن به جایگاه امام



حسین(ع) در دین‌داری شیعی، به دکترین شیعه درباره امامت و جایگاه و نقش امامان در خلقت و تاریخ بشریت می‌پردازد. لذا او در فصل اول، به بحث درباره امامان، خلقت آن‌ها، محتوا و جوهر آنچه قرار است آن‌ها ایجاد کنند و نقشی که در تاریخ رستگاری و داوری بشر بازی می‌کنند می‌پردازد. دو فصل اول، مقدمه‌ای است برای آنچه در این مطالعه دنبال می‌شود.

فصل سوم، به امام حسین(ع)، تولد ایشان، دوران کودکی و سال‌های بعدی قبل از شهادت ایشان، اختصاص دارد؛ و می‌بینیم که از قبل، وفات (شهادت) ایشان و جایگاهشان به عنوان شهید بزرگ مورد تأکید بوده است.

فصل چهارم، به فهم جامعه شیعی از شهادت امام حسین می‌پردازد. بر این اساس، نویسنده، در ابتدا اولین تفسیرها از این حادثه به وسیله مورخان اسلام، مانند طبری و نیز آثار اولین زندگی‌نامه نویسان شیعی امامان، مانند شیخ مفید را بررسی می‌کند. البته نویسنده در این بخش، تنها به بحث تاریخی نمی‌پردازد؛ بلکه به شیوه‌ای که این حوادث، به وسیله جامعه شیعی، درونی شده و نقطه اصلی فهم آن‌ها از تاریخ را ساخته، توجه دارد.

در فصل پنجم و ششم، نویسنده، به دنبال نشان دادن این مسئله است که چطور و چگونه جامعه شیعی به طور مستقیم با حادثه کربلا و از طریق آن با زندگی و مأموریت امامان مرتبط است. در ابتدا، نویسنده، ایده پاداش، (ثواب) برای گریه کردن در مصیبت امامان، به خصوص امام حسین و ثواب مخصوص برای شعر گفتن و سرودن در گرامیداشت ایشان را بررسی می‌کند. در مرحله بعد، مضامین اصلی این اشعار را تحلیل می‌کند. نویسنده، مراسم زیارت امام حسین را، مراسمی برای تجدید پیمان با خانواده مقدس و برای نشان دادن ویژگی منحصر به فرد شفاعت‌کنندگی و رستگار کنندگی امامان می‌داند. «زیارت»، مشتاق فرجام معادشناسانه از داستان کربلا است.

فصل ششم، به معادشناسی شیعی می‌پردازد. لذا در ابتدا نقش شفاعت‌کنندگی پیامبران و امامان را از طریق مفهوم حوض کوثر بررسی می‌کند. دوستداران ائمه، از طریق مشارکت در مصیبت‌های امام، در نقش شفاعت‌کنندگی و رستگار کنندگی

امام شریک می‌شوند. دومین نکته مورد بررسی نویسنده، نحوه ارتباط میان امام و دوستدارانشان است. فاطمه، به عنوان بانوی خانه اندوه، هم در این جهان و هم در جهان بعدی، بانوی روز جزا است و مصیبت‌های او، مورد پاداش قرار می‌گیرد و حقانیت او، حقانیت پیروان و دوستدارانش و موجب مجازات دشمنانش خواهد بود. امامان، در جایگاه زمینی‌شان، تصویری از نقصان حزن‌آلود و رضایت خاموش را، نسبت به حکومت کسانی که آن‌ها را غاصبان قدرت خود می‌دانند، به نمایش گذاشته‌اند. این شکست ظاهری امامان، می‌تواند به عنوان شکست دوستدارانشان دیده شود و آرمان‌های آنان و آرمان‌های دوستدارانشان در اعتقاد به ظهور منجی و منتقم [امام] مهدی تجلی می‌یابد. او انتقام تمام شهدا و مظلومان از ابتدای جهان را خواهد گرفت. در این مأموریت بزرگ نسل [امام] حسین، پیامبر و سه امام اول نیز حضور دارند. بنابراین، با بازگشت حضرت مهدی، این ماجرای پر عظمت، پایان و نتیجه طبیعی خود را خواهد یافت.

در ادامه، نویسنده معتقد است که وفات [شهادت] [امام] حسین در دوره‌های مختلف، برای جامعه مسلمانان، معانی متفاوتی داشته است. اهمیت این پدیده نیز، محدود به پیروان شیعی نبوده است. در پایان، با مرتبط کردن این پدیده جذاب در اسلام شیعی، با پدیده مشابه در دیگر سنت‌های مذهبی، نتیجه‌گیری می‌کند: به شیوه‌ای که وفات [شهادت] حسین فهمیده شده است، جنبه رستگار کننده آن، از دست نمی‌رود. رستگار کنندگی، می‌تواند به عنوان شفاعت مستقیم یا عبرت مستقیم دیده شود. در مورد دوم، جامعه و آرمان از طریق فراهم کردن مداوم یک مثال زنده از خود قربانی، به رهایی می‌رسند.

می‌توان وفات [شهادت] حسین و جنبشی را که حول آن ایجاد شد، یک جنبش سیاسی دانست. آیین مذهبی محرم، جامعه مسلمانان و به خصوص جامعه شیعی را به یکی از پویاترین نیروها در طول تاریخش، مجهز کرده است.

در این کتاب، داستان طولانی رنج، شهادت و رهایی در دین‌داری شیعی از ازل تا ابد، دنبال شده است. از طریق رنج دوستان خدا، زمان و تاریخ، تاریخ انسان، رها خواهد شد. پدیده رهایی از طریق رنج، در تاریخ طولانی مذهبی انسان، هم امری



قدیمی و هم جهانی است. رهایی را در تعامل فرهنگ‌ها و سنت‌های مذهبی مختلف و به طور جدی در شیوه بیان آرزوهای مردان و زنان در سراسر جهان و در طول سال‌ها، برای زندگی رهاشده و بهتر و اطمینان‌ایمان در این امکان، می‌توان دید. این تأکید بر زندگی در مواجهه با مرگ، در جهان ما، در زبان‌ها و صورت‌های بسیاری بیان شده است؛ پرستشگران تموز^{۱۰} در نقطه‌ای که شهید کربلا افتاد، این تأیید را به طور محرمانه بیان می‌کند که قدرت اسرارآمیز حیات، دوباره انبار مواد غذایی را پر می‌کند. با این حال اشک‌ها و استغاثه‌های آن‌ها برای فراخواندن خدای جوان از اعماق تاریکی و مرگ، ضروری بود. عشق تموز، عشق به زندگی، عشق به همسر و شوهر و مادر و پسر و برادر و خواهر بود.

پیامبر اسرائیل، وارث میراث عظیم فرهنگ و مذهب بین النهرینی، این تأیید حیات و رهایی را در رنج‌های شدید «بندۀ پروردگار» بیان می‌کند. بندۀ پروردگار، در سرتاسر تاریخ سنت یهودی-مسیحی، به عنوان تجسم همه رنج‌ها، هم رنج‌های جمعی جامعه دین‌دار و هم رنج‌های شخصی پیامبر باستان و عیسی‌ای به صلیب کشیده است.

نویسنده، معتقد است که با معرفی کردن رنج بندۀ پروردگار به مسلمانان شیعه، این بنده در داستان طولانی رنج در دین‌داری شیعی، جایگاه مهمی خواهد یافت. داستان کربلا در ادبیات فولکلور و هنر و دین‌داری مذهبی، دارای تاریخ متنوعی بوده است.

۱۰. تموز، نام یکی از خدایان سومر باستان و خدای خوراکی‌ها و گیاهان بود. تموز، بعدها در سایر تمدن‌های میان رودان مثل اکد و آشور و بابل نیز پرستش می‌شد. در بابل باستان، تموز، یکی از ماه‌های سال بود که به افتخار تموز، یکی از خدایان اصلی بابل، نام‌گذاری شده بود. این خدا، از «دوموزی» خدای سومری سرچشمه گرفته بود که همسر اینانا بود و بعدها یکی از همسران ایشتار در فرهنگ بابلی شد.

بعدها جشن تموز در عید پاک مسیحیان نیز نفوذ کرد. آخرین سه شنبه پیش از آغاز ایام چهل روزه صیام به سه شنبه تنعم معروف است، در این روز مسیحیان از نعمت‌های زمینی استفاده می‌کنند و مراسم شکرگزاری به جا می‌آورند. هفته آخر پیش از شروع عید پاک به نام هفته مقدس معروف است. آخرین جمعه هفته مقدس به شام آخر یا جمعه پاک معروف است. این روز آخرین دیدار حضرت مسیح با حواریونش است.

شخصیت پویای امام حسین، به همان اندازه که به زندگی و رشد در جامعه مسلمان ادامه می‌دهد، شایسته توجه بیشتر است؛ زیرا امام حسین، هم تجربیاتش از شکست را منعکس می‌کند و هم امیدها و آرمان‌هایش را بیان می‌کند. امام حسین، در زمان بیزاری، درگیری و اذیت و آزار، نفرین‌ها و محکومیت‌های جامعه کوچک هوادارانش را به زبان می‌آورد و در زمان صلح و آبادی، او بهترین نمونه از همه فضایی که یک جامعه آزاد و آباد، آرزو دارد را فراهم می‌کند.

امام حسین، مانند دیگر شهدای رهایی‌بخش پیش از خود، نقش «پادشاه صلح»، شفادهنده و رهایی‌بخش وجود انسان و نقش داور سخت‌گیری را - که تنبیه محکم، بدون هیچ گذشت و دردناک عدالت، مقرر کرده است - بازی می‌کند. از دیدگاه نویسنده، این دو سطح از داوری بی‌رحمانه و بخشش شفقت‌آمیز، در هر پدیده رستگاری، مشترک است. به طور کلی، شخصیت‌پردازی شهید، به عنوان یک قاضی محکم، نتیجه شکست سیاسی و ستمگری اجتماعی و مذهبی است و به علاوه به تغذیه امید جامعه برای آینده بهتر ادامه می‌دهد. این جنبه از شخصیت، به تناسب سختی (خشونت) شرایط جامعه و تلخی آن، به دنبال یک لحظه غم‌افزا در تاریخش، مورد تأکید قرار می‌گیرد. شاید تصادفی نباشد که ادبیات یوحناپی مسیحیت اولیه، که انجیل یوحنا یک نمونه از آن است، محصول داستان ظلم کلیسا بود. همین‌طور اکثر سنت‌های تلخ مرتبط با انتقام خواهی و مجازات دین‌داری شیعی، متعلق به دوره سختی است که جامعه شیعی در اوایل حکومت عباسیان، قبل از استیلای آل‌بویه تجربه کردند.

اما نگاه کردن و در نظر گرفتن جنبه دیگر شخصیت امام حسین نیز دشوار نیست. جنبه لطف، عشق، شفادهندگی و بخشش که در تناقض شدید با جنبه متضادش است. در حکومت [مهدی] برادری جهانی، ایمان حقیقی، راحتی و خوشحالی، حاکم خواهد شد.

نویسنده، بیان می‌کند که در میان بسیاری از علمای شیعه مدرن و افراد تحصیل‌کرده، این نظر وجود دارد که تنها درسی که از شهادت امام حسین می‌توان گرفت، دلاوری، دین‌داری و از خودگذشتگی او است. زمانی که سنت‌های شفاعت،



پاداش برای گریه کردن بر شهادت او و جنبه‌های معجزه‌آسای زندگی او بیان می‌شود، این افراد، با خجالت آشکار و حتی با عصبانیت، آن‌ها را رد می‌کنند. از نظر نویسنده، این تأکید یک جنبه بر اهمیت شهادت «سرور شهیدان» می‌تواند مبنایی برای وحدت در آن سوی مرزها، تفاوت‌های فرقه‌ای را فراهم کند و الهام ببخشد تا نیازهای جهان امروزی برای آرامش و تعادل، اطمینان، ایمان و هدف را تأمین نماید. درسی که از این تأکید مدرن می‌توان گرفت، نسبت به تأکید اولیه بر رنج‌ها و امیدهای انتزاعی، عینی‌تر است و به مسائل ما ربط بیشتری دارد.

در سال ۱۹۷۰، مخاطبان در قاهره، شاهد نمایش‌نامه‌ای درباره شهادت حسین بودند؛ حسین، قهرمان انقلابی و شهید بزرگ. در پایان این نمایش‌نامه، حسین از فراسوی قرن‌ها، ظاهر می‌شود تا درس دیگری را بیاموزاند:

مرا به یاد بیاورید نه از طریق جاری ساختن خون دیگران، بلکه مرا به یاد آورید زمانی که برای نجات حقیقت از چنگال دروغ و کذب، تلاش می‌کنید. مرا به یاد آورید زمانی که می‌جنگید تا عدالت بر شما مسلط شود. مرا در جنگ‌های خود به یاد آورید... مرا به یاد آورید زمانی که فضیلت، خود را تنها و بیگانه می‌یابد و زمانی که پلیدی بر فضیلت، ترجیح داده می‌شود. مرا به یاد آورید زمانی که دلاوری با حماقت، در هم آمیخته می‌شود و زمانی که حرص و خودخواهی، تنها معیار قضاوت درباره دوستی می‌شود. مرا به یاد آورید در اشک‌هایتان؛ زمانی که فروتن و ضعیف، سرکوب می‌شوند. مرا به یاد آورید زمانی که دین، با گریه‌های شکم‌های گرسنه به دروغ کشانده می‌شود و زمانی که فساد در میان شما، در حکومت بر سرنوشت ایمان انسان، برقرار شود. مرا به یاد آورید زمانی که آواز بلبلان در زندگی شما با میمون‌های درد و رنج، مغلوب شوند... زمانی که آواز برادری ناپدید شود و زمانی که فقیر شکایت کند و جیب‌های ثروتمندان، برآمده باشد، مرا به یاد آورید... انتقام و کین‌خواهی مرا به یاد آورید؛ زیرا که ممکن است شما از ستمگران انتقام بگیرید. در این صورت، زندگی پیروز خواهد شد؛ اما اگر شما نیرنگ و فریب و تحقیر را بپذیرید (در برابر ظلم سکوت کنید) پس من دوباره کشته خواهم شد. من هر روز هزاران بار کشته خواهم شد. من کشته خواهم شد هر بار که یک انسان



غیرتمند و مشتاق، ساکت می‌شود و یک انسان با استقامت، کم می‌شود. من کشته می‌شوم تا زمانی که یزیدی‌ها بر شما حکومت می‌کنند و آنچه را می‌خواهند انجام می‌دهند... پس زخم شهید برای همیشه، شما را نفرین خواهد کرد؛ زیرا انتقام خون شهید را نگرفته‌اید. انتقام خون شهید را بگیرید.